

رخداد

سرقت ۲۰میلیار دتومانی نابغه رایانه از بانک

■ پلیس خبر:فرمانده انتظامی استان قم در دستگیری سارق نابغه و همدستان وی که در یکی از بانکهای دولتی سرقتی به ارزش ۲۰میلیارد تومان انجام داده بودند، خبر داد. سردار کاظم مجتبیایی گفت: چهارنفر سارق وارد یکی از بانکهای دولتی استان قم شدند و به دلیل نبود ایمنی مناسب از قبیل دوربین، آژیر خطر و… با تهدید چاقو دست و پای نگهبان و کارمند بانک را بستند و برای جلوگیری از داد و فریاد آنها به دهانشان چسب زدند.وی ادامه داد: یکی از متهمان با استفاده از رایانه بانک اقدام به سرقت ۲۰میلیارد تومان به صورت جابه‌جایی از حساب بانک مذکور به حساب فرد دیگری کرد.فرمانده انتظامی استان قم ادامه داد:به محض اطلاع از وقوع سرقت،اکتیب ویژه‌ای از کارآگاهان، برای بررسی موضوع به محل سرقت اعزام شدند.مجتبیایی افزود: با هماهنگی‌های صورت گرفته بلافاصله حسلیی که وجه مذکور به آن منتقل شده بود مسدود و تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه آغاز شد. وی گفت: کارآگاهان با تلاش‌های مستمر و به‌کارگیری اقدامات فنی سرگردان این بانک را که فردی ۳۱ساله و دارای مدرک فوق لیسانس هوا و فضا و نابغه در امور رایانه است و یکی دیگر از اعضای این بانک را که هر دو ساکن استان‌های همجوار قم بودند شناسایی و دستگیر کردند فرمانده انتظامی استان قم ادامه داد: متهمان پس از دستگیری به بره انتسابی اقرار و اعتراف کردند و با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد متهم اصلی این پرونده به دلیل کلاهبرداری و بدهی‌های فراوانی که به مردم دارد خانواده خود را رها کرده و از محل سکونت خود متواری شده است.مجتبیایی افزود: برای شناسایی و دستگیری این متهم، اکتیب ویژه‌ای از کارآگاهان به شهر مورد نظر رفتند و پس از چند روز تحقیق و مراقبت در محل‌های احتمالی حضور متهم در عقیلی که او با یک دستگاه خودرو سواری در حال خروج از یکی از شرکت‌های مسافرتی بود، توسط کارآگاهان شناسایی و به همراه همدست خود دستگیر شد.وی اظهار کرد: متهم در آبان ماه سال گذشته در آن شهر با زنی در یکی از مغاز خدمات وام آشنا شده و پس از مدتی این زن به متهم پیشنهاد داده بود در قبال انجام این سرقت مبلغ چهارمیلیارد تومان به عنوان دستمزد به وی بدهد. متهم نیز این پیشنهاد را پذیرفته بود.وی در پایان گفت: متهمان برای سیر مراحل قانونی تحویل مقامات قضایی شدند.

جوانی ناپدری‌اش را آتش زد

■ ایسنا: پسری که ناپدری‌اش را به آتش کشیده و به قتل رسانده است، دستگیر شد. سرهنگ نورالله ملکی فرمانده انتظامی شهرستان بهشهر در این‌باره گفت: در پی اعلام وقوع آتش‌سوزی عمدی خودروی سواری و جراحات شدید، راننده آن، ماموران به محل حادثه اعزام شدند و تحقیقات خود را آغاز کردند. فرمانده انتظامی بهشهر ادامه داد: ماموران در تحقیقات اولیه خود متوجه شدند، فرد یا افرادی پس از ورود به خانه اقدام به آتش‌زدن خودروی پارک شده در حیاط منزل کرده و پس از آن به سراغ صاحب‌خانه رفته و با ریختن بنزین به رویش، وی را نیز به آتش کشیده و از محل متواری شده‌اند. ملکی با بیان اینکه پس از گذشت سه هفته از وقوع حادثه و مرگ صاحب‌خانه، پرونده در مسیر جدیدی قرار گرفت، اظهار کرد: در ادامه تحقیقات و پس از به دست آمدن سرخ‌هایی از عاملان جنایت، کارآگاهان پلیس آگاهی با بررسی صحنه جرم و انجام اقدامات اطلاعاتی، سه جوان مظنون به قتل را شناسایی کردند. به گفته وی، ماموران انتظامی پس از هماهنگی با مقام قضایی، متهمان را دستگیر و به مقر انتظامی منتقل کردند. فرمانده انتظامی بهشهر با اشاره به اعترافات افراد دستگیرشده در بازجویی‌ها خاطرنشان کرد: متهمان معترف شدند با همکاری پسرخوانده مقتول دست به این جنایت زده‌اند. ملکی با بیان اینکه ماموران مخفی‌گاه متهم اصلی را در یکی از شهرستان‌های همجوار شناسایی کردند گفت: متهم پس از هماهنگی قضایی در یک اقدام غافلگیرانه در مخفیگاهش دستگیر و به مقر انتظامی منتقل شد. این مقام انتظامی ادامه داد: متهم مدعی شد به دلیل اختلاف مالی با ناپدری‌اش ابتدا به قصد ارباب وی، وارد منزلش شد و خودرویش را به آتش کشید سپس به دلیل شناسایی شدن آن سوی ناپدری، با ریختن بنزین روی این مرد، او را نیز به آتش کشید و از محل متواری شد.

دستگیری سارقانی که عاشق پیکان بودند

■ شرق: اعضای بانندی که بعد از سرقت خودروهای پیکان آنها را با مدارک جعلی به فروش می‌رساندند، دستگیر شدند. سرهنگ رسول النقی پور رییس پلیس آگاهی استان آذربایجان غربی گفت: ماموران به دلیل افزایش سرقت خودروهای پیکان در ارومیه ضمن افزایش گشت‌های پلیسی، کنترل سارقان سابقه‌دار را در دستور کار خود قرار دادند. وی گفت: چندی بعد جوان ۱۹ساله‌ای به نام «آرش»سوار بر خودرویی مسروقه دستگیر شد و به هشت قره سرقت خودروی پیکان اعتراف کرد.النقی پور افزود: این سارق در اعترافات خود عنوان کرد خودروهای تصادفی را خریداری و به اسم پدرش تنظیم سند می کرد و سپس خودروهای پیکان را می‌زدید و با مخدوش کردن یکی از ارکان، آنها را سند نمره می کرد.النقی پور افزود: تاکنون شش دستگاه از خودروها به صورت سند نمره و دو دستگاه به صورت تحریق شده کشف و چهار همدست آرش نیز دستگیر شده‌اند.

سارق نابغه و همدستان وی که در یکی از بانکهای دولتی سرقتی به ارزش ۲۰میلیارد تومان انجام داده بودند، خبر داد.

تلاش سه متهم به تجاوز برای رهایی از مجازات

■ این افراد متهم هستند زنی را ربوده و مورد تعرض قرار داده‌اند

بوند بعد از دستگیری اعتراف کردند زن جوان را مورد آزار قرار داده و به زور به او تجاوز و طلاهایش را اسرقت کرده‌اند.

با ارسال پرونده به دادگاه کیفری استان تهران شعبه ۷۶ مسوول رسیدگی به آن شد. زمانی که متهمان در دادگاه حاضر شدند زن شاکی در حالی که به شدت ناراحت بود جزئیات را شرح داد و گفت: وقتی سوار ماشین شدم و فهمیدم متهمان قصد دارند به من تعرض کنند از آنها خواهم کردم با من کاری نداشته باشند.گفتم من دو بچه و شوهر دارم به من رحم کنید اما توجهی نکردند و سه نفر از آنها من را مورد تجاوز قرار دادند اما یکی از آنها کاری که بشود به آن تجاوز گفت انجام نداد.

متهمان در جلسات بازجویی به تجاوز به زن جوان اعتراف کردند و گفتند: وقتی او را دیدیم وسوسه شدیم، اول قصد داشتیم فقط طلاهایش را بدزدیم اما بعد تصمیم گرفتیم او را مورد آزار قرار دهیم. وقتی او شیشه ماشین را شکست برای اینکه به او بگویم زورمان بیشتر از او است وی را مورد آزار قرار دادیم.

پلیس با شکایت این زن تحقیقات خود را آغاز کرد و چند روز بعد پراپدی را که زن جوان با آن ربوده شده بود شناسایی شد. چهار پسر جوان که بین ۲۰ تا ۲۵ساله

شاکی گفته شکسته بود و مشخصاتی که شاکی پرونده داده با واقعیت مطابقت دارد. همچنین پزشکی قانونی هم تعرض به زن جوان را مورد تایید قرار داد. متهمان با تعیین وقت رسیدگی در شعبه ۷۶ حاضر و محاکمه شدند. آنها که این بار همراه وکیل‌شان در دادگاه حاضر شده بودند گفته‌های قبلی خود را پس گرفتند و گفتند تجاوزی را شرح داد و گفت: وقتی سوار ماشین شدم آنها رابطه داشته باشد. این در حالی بود که شاکی پرونده همچنان اصرار داشت به زور مورد آزار جنسی قرار گرفته است.

بعد از پایان جلسه محاکمه هیات قضات شعبه ۷۶ دادگاه کیفری‌استان تهران وارد شور شدند و متهمان را گناهکار شناختند.قضات در رای صادره آوردند: تجاوز به زن جوان براساس اسناد موجود، اقرار صریح متهمان در جلسات بازجویی و گفته‌های زن جوان محرز است و سه نفر از متهمان به اعدام و یکی از آنها که ادعای تجاوز در مورد او ارایه نشده است به ۹۹ ضربه شلاق محکوم می‌شود.

رای صادره مورد اعتراض متهمان قرار گرفت. در حالی که پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شده بود،

برادر کشی بعد از سال‌ها دوری

بود و مواد قاچاق می کرد و اعتیاد هم داشت. با این حال مدارم از او خواست بیاید با ما زندگی کند. مهدی همیشه به دلیل رفتاری که با او شده‌بود نارحت بود. من دوستش داشتم و سعی می‌کردم برادر خوبی برای او باشم اما او خیلی بداخلاق بود. این مرد ادامه داد: رابطه‌ام با برادرم باعث شد من هم معتاد شوم. البته در حال حاضر پاک هستم اما در آن سال‌ها به شدت معتاد شدم. بچه‌هایم برادرم را خیلی دوست داشتند و از وقتی که او کشته شد آنها دیگر با من حرف نمی‌زنند. وی در مورد روز حادثه گفت: روز



جدا شدند. من را مادرم همراه خود به تهران آورد و برادرم با پدرم در شهرستان ماند. هرچند وقت یکبار مادرم سرزانی از برانرم می‌گرفت اما پدرم اجازه نمی‌داد مادرم با من مهدی را ببینم تا اینکه بعد از مدتی متوجه شدیم پدرم، برادرم را به پرورشگاه

فرستاده است چون نمی‌توانست از او مراقبت کند. مدتی بعد هم پدرم بر اثر بیماری جانش را از دست داد. متهم‌دهاد: در این سال‌ها هیچ خبری از مهدی نداشتم تا اینکه به صورت کاملاً اتفاقی او را پیدا کردم. او جوان رشیدی شده‌بود اما متأسفانه در کارهای خلاف

تلاش سه متهم به تجاوز برای رهایی از مجازات

■ این افراد متهم هستند زنی را ربوده و مورد تعرض قرار داده‌اند

شاکی پرونده اعلام رضایت کرد و مدعی شد روز حادثه بر سر مبلغ پولی که باید از متهمان می‌گرفت با آنها به توافق نرسید و به همین دلیل به دروغ علیه آنها شکایت کرد. متهمان نیز همین ادعا را تکرار کردند. با توجه به ادعاهای جدید مطرح‌شده رای اعدام سه متهم در دیوان عالی کشور نقض و پرونده برای رسیدگی مجدد به شعبه ۷۶ بازگردانده شد. پس از آن شاکی پرونده دیگر حاضر نشد به دادگاه بیاید و این بار سه متهم ادعای جدیدی را مطرح کردند. آنها مدعی شدند اصلا توانایی جنسی ندارند و شکایت این زن از اساس دروغ بوده است اما توضیح ندادند چرا در جلسات بازجویی به داشتن رابطه با این زن اعتراف کردند. بنابراین متهمان به پزشکی قانونی فرستاده شدند تا ادعای آنها در مورد ناتوانی جنسی‌شان مورد بررسی قرار بگیرد.

همچنین حکم ۹۹ ضربه شلاق متهم ردیف چهارم مورد تایید دیوان عالی کشور قرار گرفت و اجرا شد. هرچند شاکی پرونده رضایت داده است، در صورتی که قضات دوباره به این نتیجه برسند که متهمان مرتکب تجاوز به عنف شده‌اند در رای صادره در مورد آنها تفاوتی به وجود نخواهد آمد.

حادثه برادرم به خانه آمد و به من گفت گوشی موبایلم را تو برداشتی، من که تازه از خواب بیدار شده‌بودم به او توضیح دادم اشتباه می‌کند. سر این موضوع دعوا کردیم. گوشی موبایل ۸هزار تومان بیشتر ارزش نداشت. به او گفتم دست بردار اما همچنان دعوا می‌کرد. من هم عصبی شدم و کنترل خودم را از دست دادم. دستم را دور گردنش گناشتم و فشار دادم آنقدر که خفه شد. این مرد گفت: وقتی برادرم کشته شد همه اعضای خانواده‌ام از دست من نارحت شدند. مادرم با اینکه می‌دانستم من هیچ پولی ندارم درخواست دیه کرد چون می‌خواست تنبیهم کند. از وقتی برادرم را کشتم دیگر کسی با من صحبت نمی‌کند و با هیچ‌کس ارتباطی ندارم حتی در این مدت که در زندان بودم نمی‌دانستم مادرم رضایت داده‌است و حالا در دادگاه متوجه شده‌ام.

بنا بر این گزارش بعد از پایان دفاعیات متهم و وکیل مدافعش هیات قضات شعبه ۱۱۳ برای صادر رای دادگاه وارد شور شدند.

خدمتکار سارق، صاحبخانه را بیهوش کرد

کارآگاهان در اولین مرحله از تحقیقات خود اقدام به چهره‌نگاری از متهم کردند سپس پی بردند این فرد جوانی ۲۱ساله به نام بهروز است که در زمینه صرف و خرده‌فروشی موادمخدر سابقه دارد و به تازگی از زندان آزاد شده است.

کارآگاهان با توجه به اطلاعات مندرج در پرونده بهروز فهمیدند او در شهرستان شهریار، منطقه خادم‌آباد سکونت دارد به همین دلیل با اخذ نیابت قضایی به این محل رفتند و متهم را دستگیر و اموال مسروقه را از خانه وی کشف کردند.

بهروز ضمن اعتراف به دزدی دو نفر دیگر از دوستان خود را به عنوان همدستانش معرفی کرد و گفت: «پس از آنکه مالباخته به من پیشنهاد داد در خانه‌اش کار کنم به شهریار بازگشتم، موضوع را با دو نفر از دوستانم در میان گذاشتم و آنها نیز موافقت کردند در این دزدی کمکم کنند. آن دو روز سرقت، با خودرو پژو ۲۰۶ بیرون خانه منتظر ماندند تا من در برای‌شان باز کنم من نیز پس از دادن ایمیوه مسموم به صاحبخانه و اطمینان از بیهوش شدن وی، آنها را خبر کردم و سرقت را انجام دادیم»

کارآگاهان با توجه به اعترافات متهم دو همدست وی را دستگیر کردند که آنها نیز جرم‌شان را پذیرفتند.



مردم به یادخانیاتنگان حلقه ششم روشن کردند



سیمتایی که در آن تیرانداز صورت گرفت ساعتی بعد از حادثه عکس‌ها:Gattyimage

حوادث

نگاه

موادمخدر صنعتی و جنون

فرشید رفوگران



وکیل پایه یک دادگستری

■ اظهارنظر بازپرس ویژه قتل دادسرای عمومی تهران در شماره روز پنجشنبه روزنامه شرق و ارتباط موضوعی آن با حادثه قتل تینا (پرونده خیابان گاندی) که اخبار آن را اخیراً ملاحظه کردیم سبب شد تا نکاتی در این خصوصى معروض شود:

طبق یک قاعده و اصل کلی و جهانشمول که در تمام اعصار، جوامع، ادیان، مذاهب، فرهنگ‌ها و قوانین از جمله فرهنگ، مذهب، تاریخ و قانون ایران مورد پذیرش واقع شده است، اصل عقلي، منطقی و شرعى زوال جرم یا رفع مجازات با بطلان عمل حقوقی در تمامی زمینه‌های حقوق کیفری و مدنی به واسطه بروز عیوب اراده یا قصد است. برای مثال در حوزه حقوق مدنی چنانچه به ظاهر، معامله یا عقدی واقع در مشخص شوکی از ارکان اصلی و ضروری اساسی انعقاد عقد مانند قصد یا اختیار، مختل یا معیوب یا مفقود بوده است، به تناسب موضوع در صحت عقد، ایراد و خلل ایجاد می‌شود که بحث راجع به آن تخصصی و خارج از موضوع است اما در حوزه حقوق کیفری و جزایی نیز با توجه به اهمیت

بیشتر موضوع و نظر به اینکه مصادیق موجود در حقوق جزا، رابطه مستقیم با جان، مال، آبرو و آزادی اشخاص و جامعه دارد، به طریق اولی باید اصل مذکور با دقت و وسواس و مراقبت بیشتری اعمال و اجرا شود. این است که در مواد متعدد و مکرری از مجموعه مقررات جزایی نسبت به زوال جرم یا رفع مسوولیت کیفری از مرتکب جرم به تفصیل و صراحت، سخن به میان آمده است. برای مثال مواد ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۴ و ۵۵ قانون مجازات اسلامی، بر این استوار شده که در صورت نبود بلوغ یا عقل یا اختیار یا قصد، توجیه و محلی برای اعمال مجازات طفل یا مجنون یا مکره یا مجبور یا مضطر یا مست و… باقی نمی‌ماند. لازم به ذکر است بسیار بیشتر از مواردی که در این زمینه در قوانین موضوعه ذکر شده است، صحت عقد، استقلال و اهمیت آزادی و آرزوی آن را در متون و موازین شرعی و فقهی اعم از قرآن کریم، سنت نبوی، سیره معصومان و اجماع فقها درمی‌یابیم. برای مثال بخشی از کلام خدا می‌فرماید خداوند تکلیف را از عهده کسی که ناتوان از انجام آن تکلیف بوده یا در جای دیگری می‌فرماید تکلیف را از کسی که حکم و موضوع را نمی‌شناسد (نقل به مضمون) برداشته است یا در روایات مشهوری آمده است که هیچ‌گونه مسوولیت و حرجی بر دیوانه و بیمار و طفل نیست. حال جای سوال است که چرا با وجود صراحت و وضوح احکام معقول گفته‌شده و نبود تردید و اختلاف در صحت و عقلائیت آنها و در تدریهای که گستره و وسعت علوم بشری و فناوری ارتباطات دست به دست هم داده‌اند تا در خدمت سلامت دین و دنیای انسان و تحقق جامعه بهتر و برتر باشند باز در مواردی مبتلا به تردید و جمود فکری و بهانه‌گیری‌های ناپسند می‌شویم و موجبات گسستگی ارکان و سلامت فرد و جامعه را فراهم می‌کنیم. در جایی که با توجه به مفهوم ماده ۵۳ قانون مجازات اسلامی چنانچه کسی در اثر نوشیدن مایعات مست‌کننده مانند شراب دچار فقدان موقت اراده شود و نیز مسلوب‌الاراده شدن وی مبتنی بر طراخی از پیش تعیین‌شده نباشد و در این حالت اقدام به عمل مجرمانه کند، مستحق مجازات نیست، چگونه می‌توان جوان ۳۰ساله‌ای را که صرف نظر از مشکلات عدیده شخصی و خانوادگی، به مدت طولانی موادمخدر صنعتی که مسلماً بسیار خطرناک‌تر و مست‌کننده‌تر از شراب است، مصرف کرده در تحقق یک عمل مجرمانه، دارای مسوولیت و مستحق مجازات بدانیم. آنچه در پرونده تینا و دارا مشخص شده و خبر آن از طریق جراید به اطلاع عموم رسیده، استفاده طولانی مدت و بی‌رویه دارا از موادمخدر صنعتی است. از طرفی بنابر تمامی تعاریف جدید علمی در سراسر جهان از جمله ایران اعتیاد به موادمخدر و مسکرات جزو مهمی از بیماری‌های روانی خطرناک است که مصادیق سنتی و قدیمی آن را در جنون و مستی و نشنگی شناخته‌ایم بنابراین همان‌گونه که اعمال هر‌گونه مجازات بخصوص مجازات سالب حیات نسبت به کودک و دیوانه و مجبور یا حیوانات، قبیح، ممنوع، حرام و غیرعقلایی است به طریق اولی اعمال مجازات بر کسانی که به واسطه اختلالات شخصیتی و روحی ناشی از سلب اراده و برگرفته از استعمال موادی چون شیشه و کراک و… دست به انجام بزه زده‌اند و دچار حالتی بسیار وخیم‌تر و اسفبارتر از حالت مستی و دبیوانگی شده‌اند به مراتب ناپسندتر است. تجارب سالیان طولانی در نحوه رسیدگی‌های کیفری و صدور احکام جزایی و اجرای مجازات‌های مربوطه با نگرشی که از دیدگاه نگارنده برخلاف تمامی موازین عقلی و نقلی و شرعی و قانونی ما است، ثابت کرده که راه و منشی که پیش گرفته شده نه تنها توفیقی حاصل نمی‌شود بلکه باوجود پاک کردن مکرر صورت‌های مساله به جای حل آنها، روز به روز بر تعداد مجرمان و فجیع‌تر شدن جنایات بدنی، جنسی و مالی و پیچیدگی و بروز جرایم جدید، افزوده می‌شود بنابراین بسیار شایسته است که به جای تعصب‌پویزی و یا فشاری غیرمنطقی بر موازین و مواضیح که مغایر با اصول معروف و قابل قبول شرعی، عقلی، قانونی و بین‌المللی است، با سعه‌صدر و آندیشیدن و تعامل و تبادل نظرات و تجارب، نسبت به شکوفایی و بهبود شرایط و وضعیت فردی و جمعی جامعه تلاش کنیم.